

رضا سپیدرودی

اعتراضات اخیر پیروزی درخشان جنبش دانشجویی بود در دفاع از آزادی. این حرکت نشان داد که دوره سرخوردگی و خمودی بعد از سرکوب وحشیانه خیزش ۱۸ تیر ۷۸ به پایان رسیده. این اعتراضات یک پیروزی درخشان بود، برای این که کمابیش مستقل از هر دو جناح حکومت صورت گرفت و اگر چه حمله متوجه راس خیمه نظام یعنی دستگاه ولایت و ضنائم مافیایی وابسته به این دستگاه و بویژه قوه قضاییه بود، اما هیچ حمایتی از جناح مقابل صورت نگرفت و خطوط قرمز بین معترضین محلی از اعراب نداشت. رابطه اعتراضات دانشجویی با دو جناح حکومتی را می توان به صورت اعتراض و انتقاد مطرح کرد. جنبش دانشجویی شدیداً به دستگاه ولایت معترض است و به کمتر از برچیدن آن رضایت نمی دهد، این جنبش همچنین بشدت از اصلاح طلبان حکومتی ناراضی است و زیر بار آنها نمی رود و برعکس نگاه تند انتقادی نسبت به آنان دارد. این وضع مبین گسستی است که در صورت تداوم خود آرایش نیروها در صحنه سیاسی ایران را دگرگون خواهد کرد. اولین تمایز حرکت ۱۸ تیر با اعتراضات دو هفته اخیر در همین پدیده است: در ۱۸ تیر جنبش دانشجویی در چهارچوب معادله اعتراض و اتحاد قرار داشت: به جناح ولایی معترض بود با جناح اصلاح طلب متحد، اعتراضات دو هفته اخیر نشان داد که وجه اتحاد با اصلاح طلبان حکومتی در جنبش دانشجویی به شدت تضعیف شده و کارکرد اصلی خود را تقریباً از دست داده است. این برچیده شدن نگاه از بالایی ها و کراماتشان و تکیه بر خود و سازماندهی خود آن جنبه ای است که بدون در نظر گرفتن آن درک علت درخشان بودن پیروزی اعتراضات دو هفته اخیر دشوار می شود. مساله استقلال جنبش دانشجویی از هر دو جناح حکومتی را می توان از جمله در طرح مطالبات روشن آزادیخواهانه، و فراجناحی دید: شعار فراندوم برای تعیین تکلیف مردم با کلیت نظام، آزادی زندان سیاسی، آزادی اندیشه و بیان و لغو اعدام به روشنی فراتر از ظرفیت هر دو جناح حکومت بود. از نظر روشمندی هم اعتراضات دانشجویی متکی بود بر نافرمانی مدنی؛ در حالی که حکومت هشدار می دهد که اجتماعات برگزار نشود و شعارهای ضد حکومتی سر داده نشود، دانشجویان هم اجتماعات اعتراضی برپا می کنند، هم شعارهای ضد حکومتی سر می دهند و هم هر جا که می توانند سعی می کنند اعتراضاتشان را از طریق راهپیمایی در خارج از دانشگاهها به میان مردم بکشند و از این طریق حرکت شان را تقویت کنند.

جنبه دیگری این پیروزی در واقع عقب نشینی مفتضحانه دستگاه ولایت است. این دستگاه در دو روز اول اعتراضات دانشجویی با زبان تهدید و شمشیر از رو بسته در صحنه ظاهر شد. خامنه ای تهدید کرد که "مردم" را به صحنه فرا خواهد خواند که منظور هم البته همانطور که بلافاصله با حملات سازمان یافته به اجتماعات دانشجویی معلوم شد، اوباشان بسیجی و باندهای چماقدار حزب الهی بود، ولی وقتی یک هفته اعتراضات ادامه یافت و لحظه به لحظه هم گسترده تر شد، خامنه ای در دو نامه به هاشمی شاهرودی در واقع از او خواست هر طور می تواند بسرعت دخالت کند تا آتشی که در دانشگاهها دوباره شعله ور شده خرمن هستی نظام را نسوزاند. هاشمی شاهرودی البته روز سه شنبه در برابر فشارها – چنان که از خیرها برمی آید – مقاومت کرده و به دفاع از حکم صادره پرداخته است، ولی روز چهارشنبه از قول ایزدپناه معاون اطلاع رسانی قوه قضاییه تاکید شده که هاشمی شاهرودی از تصمیم سید علی خامنه ای تبعیت می کند و احکامش را برای قوه قضاییه لازم الاجرا می داند.

نکته دیگری که عقب نشینی دستگاه ولایت متضمن آن بود و جنبه دیگری از پیروزی درخشان جنبش دانشجویی را توضیح می دهد نادرستی بهانه هایی بود که اصلاح طلبان حکومتی برای توجیه موقعیت متزلزلشان در مرزبندی با جنبش دانشجویی و خواست ها و مطالبات مستقل این جنبش پشت آن سنگر گرفته بودند. هفته

گذشته وقتی علائم اعتراضات در دانشگاهها ظاهر شد و اولین اجتماعات برپا شد، اصلاح طلبان حکومتی در صحنه ظاهر شدند و ضمن وحشت پراکنی از عواقب گسترش اعتراضات دانشجویی گفتند که گسترده شدن اعتراضات خواست جناح اقتدارگراست تا زمینه را برای اعلام حکومت نظامی و میلیتاریستی کردن فضا فراهم کند. نتیجه تبعی این استدلال این بود که قربانیان دستگاه قضایی بهتر است به همین دستگاه ظالم و فاسد پناه ببرند، ولی اعتراضاتشان را طوری ادامه ندهند که امکان سواستفاده جناحی اصلاح طلبان حکومتی برای امتیازگیری از دستگاه ولایت بر سر دو لایحه ارسالی دولت به مجلس منتفی شود. عقب نشینی شتابزده و رمندگی و هراس دستگاه ولایت در برابر جنبش دانشجویی خیلی روشن نشان داد که وحشت پراکنی اصلاح طلبان حکومتی در مورد قدرت سرکوب دستگاه ولایت تا چه حد اغراق آمیز بوده است. این اعتراضات نشان داد که این دستگاه منزوی تر و آبرویاخته تر از آن است که بتواند در مقابل حرکات گسترده اعتراضی تاب آورد و جنبش اعتراضی اگر قاطع و استوار وارد صحنه شود، می تواند همه معادلات جناح های حکومت را درهم بریزد.

در اولین رویارویی مستقل جنبش دانشجویی با حکومت این حکومت بود که وحشت زده عقب نشست. با توجه به ویرانه ای که نظام ولایت فقیه در کشور به جای گذاشته، با توجه به قطعیت یافتن اصلاح ناپذیری این حکومت، بعد از اعتراضات دانشجویی دو هفته اخیر، این دست زدن به اعتراض نیست که دلیل و برهان خاص و ویژه ای یا حادثه ویژه ای طلب کند، این تن دادن به سکوت و تحمل وضع موجود و چشم دوختن به مشاجرات مزمن و بی حاصل داردوسته های قدرت طلب حکومتی است که غیرطبیعی و توجیه ناپذیرتر خواهد شد. در محاسبه سود و زیان اعتراضات دو هفته اخیر، دستگاه ولایت از جنبش دانشجویی کارت قرمز گرفت، اصلاح طلبان کارت زرد. معقول ترین نتیجه ای که جناح تمامیت خواه از اعتراضات اخیر می تواند بگیرد این است که این دستگاه ناگزیر است بیش از هر زمان دیگر کورمال، کورمال در سرایشب سقوط حرکت کند و توانایی و عقلانیت سنجش عواقب اقداماتش بیش از گذشته از آن سلب شده است؛ چیزی که خود یک علامت وخامت بحران و فروپاشی است. از طرف دیگر مهم ترین درسی که جنبش دانشجویی می تواند از حرکات اعتراضی دو هفته اخیر بگیرد این است که این پیروزی را به سکویی تبدیل کند برای سازماندهی موج جدیدی از اعتراضات زنجیره ای مداوم و تهاجم وسیع تر به استبداد فقهاتی در مسیر پیروزی نهایی و برچیدن بساط حکومت اسلامی.